

یافتن های برهم بافتن

نوشته:

عسی معینی

سرشناسه	: معینی، عیسی، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدید آورنده	: یافته های به هم بافته / عیسی معینی.
مشخصات نشر	: کرمان : عیسی معینی، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۴۹۴۱-۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
موضوع	: نقد ادبی.
موضوع	: نقد.
موضوع	: زیبا شناسی.
رده بندی کنگره	: PNA۱/ م ۶ ی ۲ ۱۳۸۸
رده بندی دیویی	: ۸۰۱/۹۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۵۸۴۵۱

چاپ اول

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است. تکثیر تمامی یا قسمتی از این اثر به صورت حروفچینی یا چاپ مجدد، چاپ افست، پلّی کپی، فتوکپی و انواع دیگر چاپ ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

نام کتاب	: یافته های به هم بافته
مؤلف	: عیسی معینی
ناشر	: مؤلف
تیراژ	: ۱۰۰۰ جلد
قطع و تعداد صفحه	: وزیری - ۲۱۰ صفحه
نوبت چاپ	: اول فروردین - ۱۳۸۹
چاپ و صحافی	: عرشیا چاپ
حروف چینی و صفحه آرایی	: دفتر فنی کاتب
طرح جلد	: حام پورنامداری
قیمت	: ۲۵۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۴۹۴۱-۷-۷
ISBN	: 978-964-04-4941-7

عنوان	صفحه
دیباچه	
مقدمه	۱
رنج نامه شصت ساله	۵
انسان در گذرگاه گذشته	۲۹
زندگی انسان در گرو جنبدگی اوست	۴۹
عظمت آدمی در عالم بیکران هستی	۸۱
قطعه شعر (به چه حق نام تو هست اشرف مخلوقات)	۱۰۶
در پرده ابهام	۱۱۱
قطعه شعر (چه روزگاری ادبی)	۱۲۳
عظمت از دست رفته	۱۲۵
قطعه شعر (ابو مسلم است نام من)	۱۴۰
انقلاب از منظر و دیدگاه‌های مختلف	۱۴۳
قطعه شعر (ساده‌تر باید نوشت)	۱۶۲
سال‌های طی شده	۱۶۵
قطعه شعر (قاب آئینه)	۱۷۵
از ماست که بر ماست	۱۷۷
آشنای همیشه غریب انسان در بیکران اندیشه	۱۹۳
منابع و مآخذ	۲۰۷



از آقای اکبر شوی مدرس نمونه کشوری سال ۱۳۸۸

به نام آن که جان را کفایت آموخت

چرخ دل به نور جان یغروخت

در سال های آغازین ده پنجاه که در مدرسه راهنمایی کوغربافت، مشغول به تحصیل بودم، تصورم از جهان هستی به چند شعر مجبور زادگاهم محدود می شد. وسایل ارتباط جمعی مادر کتاب های درسی، مجله ماهانه پیک، رادیو و گاهی هم مجلات محلی آن روزگار مثل اطلاعات محلی، جوانان امروز و زن روز خلاصه می شد.

نظام آموزش و پرورش در برزخ بین سنت کربلایی مکتب خانه و نوگرایی به شیوه غرب، گریز بود. معلم در تصور ما کسی بود که حرف، حرف او بود و لا غیر. دانش آموزان موجوداتی منفعل و مطیع در چرخه تکراری تعلیم و تربیت بودند. چند شاگرد در سخنان کلاس مختصر احترام می زد معلم ها داشتند، باقی هم به صورت فداای و بال کردن کلاس و معلم بودند؛ خلایق و استداد مغفومی نداشت، قدرت حافظه بود که حرف اول را می زد.

در سال دوم راهنمایی بودم که نسبی خوشند در فضای مدرسه، وزیدن گرفت، حضور آقای عیسی معینی دبیر ادبیات، همه معادله های فیل شده آموزش را بر هم زد؛ «کسی آمده بود که مثل هیچ کس نبود، مهربانی را تقسیم کرد، احترام را

تقسیم کرد. محم را هم داد». چیزی نگذشت که شیوه تدریس و برخورد آقای نیسی معینی، جای خودش را در مدرسه باز کرد.

کلاس آقای نیسی معینی به تدریس ادبیات محدود نمی شد. او از همان مدرسه کوچک دری به جهان بزرگ باز کرد. ما را با اوضاع و احوال روز آشنا کرد. به دانش آموزان فهماند که دنیا در همین چند کتاب درسی خلاصه نمی شود. کتاب در اختیار ما قرار دارد و ما را با مقوله هنر آشنا کرد.

اکنون پس از گذشت بیش از سی سال هنوز لذت درس ادبیات آقای معینی در خاطر بسیاری از دانش آموزان آن کلاس باقی مانده است. هر چند دست سرنوشت کلاس درس آنل های بعد را از وجود آقای معینی محروم کرد. اما ایشان در طول این سال ها همچنان پر تدریس و عبور را در زندگی را طی کرده است. خلق پنج اثر «معرفت پنجمان، نقش غرض، حکایات تاریخی به روایت مستند، گل گفستی ها و یاقه های به هم بافته، حاکمی از تدریس مستمر ایشان در حوزه نشر است. آقای معینی در «یاقه های به هم بافته»، همچون زنبور غزل که روی گل های مختلف می نشیند و از هر که دم عطری و ارم می گیرد و از تلفیق آن ها عسل خوش طعم و خوشبو می سازد و با بستاری عمیق و دراز دست در رکهار اندیشمندان بزرگ ایران و جهان معجزاتی خواندنی فراهم کرده است؛ به دیگر سخن آقای معینی، حذای تید ز دل، یاقه ز جان، قدیم به سخن شاسان احل دل کرده است.

آقای معینی کتاب خود را با ذکر خاطراتی از دوران کودکی و نوجوانی آغاز کرده است. دیدگاه های اجتماعی و فرهنگی ایشان در قالب تری بی مختلف این رشتها را در خواننده ایجاد می کند که این روند ادامه پیدا کند و کتابی مستقل از خاطرات خواندنی ایشان که هم تاریخ گونه ای از رخداد های نیم قرن اخیر باشد و هم گزارش از آنچه در طول چند

و هر بر این نسل گذشته، بخوانند. خوشبختانه با انرژی سرشاری که در وجود ایشان سرخ داریم به تحقق چنین امری امیدوار هستیم.

در پایان سلامت و سعادت این مؤلف پرکار را از درگاه قادر متعال خواستارم و همچون روزگاری که در کلاس، مشتاق شنیدن درس آقای معینی بودم، در انتظار اثری دیگر از ایشان هستم.

اکبر نقوی

مدرس ادبیات مراکز آموزش عالی شهر کرمان

مقدمه

«یافته‌های به هم بافته» همان طور که از نامش بر می‌آید، کتابی است که حاصل اندوخته‌های سالیان درازی است که با خواندن و نوشتن کتاب آشنا شده‌ام. اندوخته‌هایی که تار و پود وجودم را تشکیل می‌دهند! بارقه‌هایی است که بر اعماق اندیشه‌ام تأثیراتی جانکاه داشته است؛ بارهای مثبت و منفی است که از سراسر سیم وجودم عبور کرده و گاه‌گاهی در ذهنم جرقه‌ای از امید و بینش می‌زد و بر عمق ضمیر پنهانم روزه‌ای از روشنایی ایجاد می‌کرد و مرا سمت و سو می‌داد. گاه مرا از خواب غفلت انگیزی به بیداری امید بخشی می‌کشاند و گاه بر غفلتم می‌افزود که چرا خویش را از بهترین مطالب محروم می‌داشتم و روزگار را به بطلالت می‌گذرانده‌ام به راستی که ذهن آدمی چقدر مستعد است که از نردبان معرفت اوج گیرد و از فراز اوج گرفتن‌ها نگاهی به چه زاویه‌هایی از زندگی خیره شود و نیز چقدر مستعد است که فرو افتد و هرگز بر نخیزد؟!۱

شادمانم که اگر دو سه پله از نردبان شناخت و معرفت را نتوانسته‌ام بیشتر طی کنم اما همین چند پله نیز مرا به جایگاهی برساند که گمان می‌کنم برای آدمی چون من که سراسر زندگی‌ام آکنده از دغدغه‌های معاش و فراز و نشیب‌های تلاش در جهت بهبود بخشیدن دردهای خویشتن بوده

است و پیوسته در حسرت آرزوهای از دست رفته‌ام به سوگ نشسته‌ام و این خود کافی است که بتواند بخشی از تلاطم‌های روحی مرا کاهش دهد.

هرگز مایل نیستم که در نوشته‌هایم عبارت پردازی تشریفاتی وجود داشته باشد اما معتقد بر آنم که نوشته‌هایم معجونی است از مطالب دیگران که با تلطیفی از اعماق اندیشه بی ریشه‌ام نقش گرفته است.

آنچه در این کتاب آمده است در واقع بازتاب اندیشه‌های شماسست و یا به عبارتی بازتاب نگرش‌های وجدانی شما خوانندگان است که قطعاً اغلب مطالب آن را در جای جای کتاب‌ها مرور کرده‌اید و اینک یادآوری و بازسازی مطالب توفیقی برایم به وجود آورده است، که دیگر بار به نگارش مجموعه‌ای پردازم که هر سطر آن از زاویه‌ای خاص و نگاهی ویژه حاوی نکاتی باشد که بر غنای فکری شما عزیزان بیفزاید؛ همان طور که در پیشگفتار کتاب «معرفت پنهان» یادآور شده‌ام.

من هنوز بر همان عقیده‌ام که باید کتابی را مورد مطالعه قرار داد که هر سطر آن یک واحد اطلاعاتی مفید و یک بار مثبت فکری و یک پیام ارزشمند در برداشته باشد.

هیچ‌گاه ارزش کتاب را با قطر آن نباید سنجید. هر کتابی نمایانگر بخش عمده‌ای از تفکرات و نگرش‌های نویسنده آن می‌باشد؛ بنابراین قضاوت و سنجش معیارهای مطالب یک مجموعه با خود خواننده است که در پایان میزان جهش فکری و گستره اندیشه‌های خود را که ناشی از خواندن یک کتاب است به دست آورد و بررسی کند. در این کتاب سعی شده است مطالب گوناگون سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، مذهبی، فلسفی و... به نحوی مختصر و مفید ارائه شود. اگر گاهی انسجام خاصی در بین مطالب دیده نمی‌شود و رشته‌ای که پیوند دهنده مطالب باشد در بین جملات و عبارات مشاهده نمی‌شود، دلیل بر عمد بودن آن نیست که سعی شده است لب مطلبی در بین عبارتی بگنجد که شاید با کل موضوع سنخیت نداشته باشد، لکن به دلیل ارزشمندی مطلب و کیمیایی جمله و خوشایندی مطلب ناگزیر شدم که پر باری عبارت را فدای

انسجام سازم. همان‌طور که «یافته‌های به هم بافته» خود گواه محتوا خود است، شاید یافته‌ای باشد با تارهای مختلف و پودهای گوناگون، در هر صورت به رشته در آوردن کلمات منسجم و متناسب در جایگاه خاص خودش نمایانگر ذوق و سلیقه‌ای است که سعی شده است از سر «بهترین‌ها» نگذریم و به هر شکل ممکن و با توجه به حجم کتاب ناگزیر شدم در کمترین حد ممکن بیشترین‌ها و بهترین‌ها را یاد آور شوم. امیدوارم توانسته باشم در فصل‌های مختلف این کتاب، رنجی را که از روزگار کشیده‌ام به صورت پیامی از زبان دیگران به مخاطب خود منتقل نمایم.

عیسی معینی

۱۳۸۸/۸/۸